

نویسندگان : اندریویتچک (Andre Vitchek) و الیسا ندروبیا
نچی (Alessandro Bianchi) سرمحرر (Anti Diplomatic).
مبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز « 2017-09-12 ».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مردم افغانستان بحد کافی وحشیگری (بربریزم) امپریالیست های غربی را با خود دارند.

The people of Afghanistan have had enough of western
imperialist Barbarism

موقعیت جغرافیوی افغانستان همیشه نقشی مهمی را ایفا کرده است
وبادر نظر داشت همین اصل به نظر میرسد که مذاکرات صلح ماه اپریل میان
افغانستان ، هند ، پاکستان ، روسیه و چین منجر به پایان حضور مسلط دائمی
امریکا در افغانستان میشود . در این مورد نظر شما از چه قرار است ؟

1- اندریویتچک : آنچه که شما در مورد خاطرنشان ساختید بیسار مهم است ولی
من تا هنوز آماده نیستم که از همچونظر همه جانبه تجلیل بعمل آورم و یا از آن جشن برپا
نمایم اما چیزی را که میتوانم در اینجا افاده نمایم این است که این اقدام در نظر اول حد اقل
برداشتن نخستین گامی در جهت خاتمه دادن به یکی از اشغال های مخرب و وحشیانه ای
در تاریخ تهاجم «ناتو» می باشد و یا آنچه که رسانه های عمده ایالات متحده امریکا این
جنگ را در تاریخ جنگ های ایالات متحده امریکا طولانی ترین جنگ توصیف میکنند .
بگذارید یادآور شویم که نه تنها حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان قابل رویت
است ، بل آنچه را که من در این اواخر درک نموده و یا میدانم چنین است که برخی از
کشورهای اروپایی می پسندند و یا دوست دارند که خود را بعنوان نوعی از قربانیان
در این کشور به تصویر کشند . اما قطعاً اینطور نیست . بلکه اروپا در قلب این کل کابوس
جها نی قرار دارد و ایالات متحده امریکاجزو ایجاد این کابوس چیزی دیگری نیست چونکه
از بساجهات آنها فرزندان اروپایی هستند چونکه ایالات متحده امریکایی ها از نگاه ریشوی
اروپایی اند .

بصراحت باید یاد کرد که در عقب این وحشت و بربریت بریتانیا قرار دارد و آن اینکه
افغانستان حداقل از لحاظ نظری مجبور است که از آن عبور کند یعنی تن به انتقام سادستی
(کسیکه از زجر دیگران لذت می برد) بریتانیا بدهد ، و این را نیز نباید فراموش کرد که
بریتانیا مسول کشتار بیشتر مردم در سراسر جهان نسبت به هر کشور دیگر استعماری

در روی زمین میبا شد. و اکنون این ایالات متحده امریکا است که در واقع کل امپریالیست های غربی را در فرم وساختار توحید ایدیولوژیکی باهم نسج میدهد و مکیاولیزم بجز از ما شین بد نام تبلیغاتی دومی او چیزی دیگری در این راستا نمیبا شد.

آنچه که من از داشتن تجربه دست اول خود میخواهم در اینمورد تاکید بعمل آورم این است که مردم افغانستان به اندازه کافی از این بربریت امپریالیست های غربی برخوردار بوده اند آنها (16) سال بعد از حمله ترسناک امپریالیزم کاملاً خسته شده اند؛ آنها دیگر غربی ها را دوست ندارند و بالای آنها بی اعتماد شده اند.... اما اکثر آنها خاموش و ساکت هستند، زیرا آنها دائماً در اثر ترس از دست دادن توسط غربی ها از روی مجبوریت تسلیم به سکوت و خاموشی شده اند و از سوی دیگر باید بخاطر داشت که همکاری با اشغالگران در حال حاضر به یک فرهنگ دادوستد و (کسب و کار) پرعاید و سودآور جاگزین شده است. چنانچه دیپلومات های افغانی، بسیاری از سیاستمداران، فرماندهان بی شمار افغانی، سازمانهای غیردولتی غربی و حتی هزاران مربی همه به اشغالگران خدمت و همکاری میکنند و از این همکاریهای شرم آور و ننگین خود به ملیاردها دالر بدست می آورند و مافیای روزنامه نگاران، دیپلوماتها، فرمانرویان و مربیان و خدمت گذاران افغانی هرگز نمیخواهند که بصورت دواطلبانه این جایگاه پرمفعت و سودآور را ترک گویند و از همکاری با غربی ها به عقب بروند و یا دست کشند.

استعمارگران غربی فساد پیشه و مفسد هستند و آنها با اشغال سرزمین های دیگران نسل در نسل را آغشته به فساد می سازند.

افغان ها که قبلاً مبتلا به فساد نشده بودند مردمان با کرکتر و با اوصاف پاک و منزله از هر نوع فساد و خراب کاری بوده مردمان واقعی با داشتن قلب های سرشار از وطنپرستی و میهن دوستی (و هنوز بسیاری از همچو افراد در این کشور وجود دارند که یکی از کشورهای مورد علاقه ای من است) بوده و با این اوصاف و کرکتر خود می باید ند ولی اکنون متأسفانه که آن نوع شور و شوق در نزد آنها یا دیده نمیشود و یا ضعیف و کم رنگ است اما چیزی را که نباید از آن چشم پوشی کرد اینست که اکنون خوشبختانه که حتی نخبگان افغانستان نیز درک کرده اند که در تحت این رژیم کنونی زیر تسلط خارجی ها هیچ راه بیرون رفت از این ورطه و مشکلات موجود قابل رویت و دید نیست تا که از این مشکل خلق شده توسط غربی ها نجات یابند .

اکنون مردم در کابل و در ولایات کشور آغاز به بازنگری از کشورهای اعم از روسیه چین و ایران و حتی هندوستان نموده اند علیرغم حوادث بوقوع پیسته ای وحشتناک قبلی که در این بخش از جهان رخ داده است حتی پاکستان را نیز نمیتوان نادیده گرفت از اینکه نگویند هر چیزی بهتر از اشغال (نا تو) است.

2- الساندرو بیانچی: حضور نیروهای امریکایی در افغانستان مانند در دیگر

نقاط جهان ، اهداف بلند مدت ، برنامه ریزان نظامی را بطور کل توضیح نمیدهد بلکه افغانستان در برخی موارد شبیهه به وضعیت یکسان باجنوب شرقی آسیا میباشد در کره جنوبی حضور امریکایی ها از سال (1950) تا حال ادامه داشته است که موجب بی ثباتی شبیهه جزیره کره شده است و افزایش شدید حضور نیروهای امریکایی هرگز تعادل قابل پذیرش و ظرفیانه ای را بین احزاب که در مذاکرات ماه اپریل صورت گرفته بود تغییر نداد و بر تلاش های مسکو و پکن برای ایجاد ثبات در این کشور تاثیر نخواهد گذاشت . لهذا شما حضور امروز نظامیان ایالات متحده امریکا را در افغانستان چگونه تعریف میکنید ؟

اندر بویتچک: من حضور نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا را در افغانستان بعنوان یک عمل غیر انسانی ، وحشیانه و کاملاً نژاد پرستانه تعریف و توصیف مینمایم . و من نه تنها فقط در مورد حضور قوت های نظامی امریکا در افغانستان انگشت انتقاد ام را میگذارم بلکه در مورد حضور نیروهای وقوت های اروپایی بویژه در مورد انگلیس ها صحبت میکنم .

در اینجا هیچ جای شک و تردید نیست از اینکه چگونه به یک باره گی افغانستان کشوری که در مسیر ایجاد نظام ویا جامعه سوسیالیستی برنامه ریزی کرده بود در تحت ظلم و ستم (ناتو) نا بود میشود ، و این کافی و بسنده خواهد بود که شما در مراجعه به آمار ویا دادهای توسط اداره انکشاف ملل متحد (UNDP) و سازمان صحتی جهان (WHO) نا بود شدن افغانستان را با همه جزئیات آن در آنجا ملاحظه نماید . و از ملاحظه ای همچو آمار متیقین خواهید شد که این کشور همین اکنون از جمله کشور کمتر توسعه یافته ویا عقب نهگذاشته شده (با استفاده از معیار شاخص توسعه انسانی) در آسیا میباشد و مردم افغانستان مردمی اند که در پایان ترین سطح توقع حیات در قاره آسیا زندگی می کنند .

تنها حسب ادعای مقامات ذیصلاح ایالات متحده امریکا از زمان حمله و تهاوز بالای افغانستان در سال (2001) تا کنون بیش از (750) تا (2،1) تریلیون دالر در افغانستان بمصرف رسیده است ؛ که این مبلغ در واقعیت امریک مبلغ نجومی میتواند نامیده شود یعنی پولی است که حتی بیش از کل پول مصرف شده در برنامه مارشال پس از جنگ دوم جهانی (به نرخ ارزش دالرا موزی) بمصرف رسیده است اما پرسشی درست در اینجا این است که آیا این مقدار پول برای کمک بخاطر بهتر شدن وضع زندگی مردم افغانستان بمصرف رسیده است ؟ جواب که البته نه و هرگز ! بلکه این پول ها عمدتاً به بهبود وضع معشیتی و تجملی فساد پیشه گان «نخبگان» افغانی و فرزندان آنها ؛ به ارتش به پرداخت حقوق و معاشات پیمانکاران نظامی خارجی صرف شده است . ویا توسط این پول پایگاه های نظامی بسیار بزرگ ساخته شده است که برخی از این پایگاه های نظامی

در برخی از مواقع از کار افتاده و یا به جای دیگری منتقل گردیده است؛ فرودگاه‌های نظامی ساخته شده است و یا از این پول‌ها تا جاییکه حتی شرکت‌های خصوصی امنیتی امریکایی برای مصونیت خود تا نک‌ها و مهمات نظامی خریداری کرده‌اند - من یک بار با خود به ارتباط این پول‌های مصرف شده چنین محاسبه کردم که اگر این پول‌ها بخاطر بهتر شدن سطح زندگی مردم افغانستان بالای کل جمعیت تقسیم میشد عاید سرانه‌ای هر افغان در طول (16) سال متوالی بسیار بالا میرفت تا جاییکه سطح زندگی مردم افغانستان از نظر ستاننداری زندگی نسبت به سطح زندگی مردم مالیزیا بهتر تر میبود

آنچه که غرب تا کنون در افغانستان انجام داده است احمقانه و جنون آمیز بوده است یعنی که اعمال و فعالیت‌های غرب در افغانستان مخلوطی از نسیح اورویل (Orwell = نظارت همه جانبه دولت بالای ما) و ها کسلی (Aldo Huxley = خوشحال نگهداشتن شهروندان که مبارزه نکنند) از منتقدان بردولتهای خود کامه و رومان نویسان بریتانیا وی عصر خود و بدترین کابوس از نقاشان آلمانی هر یک مانند جورج گروز (George Grosz) و اتودیکس (Otto Dix) میتواند باشد.

خط بس‌های برقی قدیمی ساخت و کمک چکوسلوواکیا در کابل اکنون کاملاً از بین رفته است؛ تنها در بعضی از جاها لاین‌ها و سیم‌های برقی آویخته شده بالای پایه‌های سمنتی کنار جاده بملاحظه میرسد که بقسم نمونه یادی از آن آیام میکند که این واگن‌های برقی به نقل و انتقال شهریان کابل فعالیت میکرد و یا از سوی دیگر در این گوشه و یا در آن گوشه از شهرها و یا در سراسر افغانستان ساختمان‌ها و آبادی‌ها و... ساخت شوروی اعم از مکرور و پیانها که تا هنوز مردم بخاطر زندگی به آن تقاضا دارند، نان پزی‌ها؛ کانال‌های آب، بدرفت‌ها (کانالیزیسونها) کانال‌های آبیاری مثلاً در جلال‌آباد و بسا ساختمان‌های و جاده‌ها در بخش‌ها دیگر کشور تا هنوز در جلو چشمان مردم قرار دارد دولت‌های دوست افغانستان همچو هند در بدترین شرایط برای افغان‌ها بند برق میسازد دولت چین بخاطر دسترسی مردم به عرضه خود مانت‌های صحتی موسسات و مراکز صحتی اعمار میکند پس غربی‌ها در این مدت حضور طولانی خود برای افغان‌ها چه ساخته‌اند؟ هیچ چیزی نه؛ غیر از بدبختی و سیاه‌روزی و ناامنی و درگیری‌های مسلحانه و بالاتر از همه سربازخانه‌های نظامی بی‌شمار، دیوارهای کانکریتی در جلو مردم بخاطر تامین مصونیت خود داد و ستد و تجارت مواد مخدره؛ فحشای فکری و بطور همیشگی نهیلیزم «پوچ‌گرایی» تیره و تاریک و کامل چیزی دیگری به ارمان نیا ورده‌اند.

قابل تذکر این‌که در سال (2007) در اثر حملات هوایی نیروهای نظامی و هوایی کشور‌های غربی در افغانستان بیش از (700) نفر افرادملکی زندگی خود را از دست دادند که شما این کشته شده‌گان در مقایسه به کشته شده‌گان سال (200) توسط همین نیروهای غربی یک

رقم قابل ملاحظه میباشد - پیمانکاران نظامی که برای ارتش ایالات متحده امریکا در افغانستان کار و فعالیت مینمایند در این آواخر بمن گفتند: آمریکایی ها بالای مردم افغانستان قهر و عصبانی اند و به همین منظور آنها در تمام پایگاه های نظامی خود در افغانستان مواد غذایی صرف نشده اضافی شان را تلف و هدر مینمایند بعوض آنکه این غذا ها را به اطفال گرسنه توزیع کنند فلذا اکنون مردم افغانستان بخوبی اینرا میدانند که دوستان شان کی ها و دشمنان شان کی ها هستند.

3- الیساندر روبیا نچی: جهان در حال تغییر و دیگرگونی است و تلاش ها هر چه بیشتر و بیشتر به جاگزینی هرج و مرج ناشی از سیاست نادرست ایالات متحده امریکادر سراسر جهان میباشد و از سوی دیگر روند رفاه اقتصادی و یک پارچگی مجدد در بین مردم افغانستان اکنون در حال شکل گیری و پیشرفت است لذا زمانیکه مردم افغانستان موفق به ایجاد استقلال خود میشوند در آن صورت ناگزیراً و اشکنتن مواجهه به شرایط سخت و ناگوار در افغانستان خواهد شد - لذا آیا کشورهای مانند روسیه، چین و هند قادر به جلوگیری از تشدید و دفع خطرات احتمالی در افغانستان خواهند شد؟

اندریویچک: بسیاری از مردم افغانستان در مورد استقلال واقعی خود رویای خود را با عشق عظیم و سرشار و بهتر و با نوع از احساسات بین المللی (internationalism) و دیعه ای که توسط مردم شوروی به آنها پیشکش شده بود بخاطر می آورند شوروی ها برخلاف غربی ها برای بار اول به افغانستان بغرض عرضه خدمات در بخش های مختلف معلمان - دوکتوران - نرسان - پرستاران انجنران و مهندسان خود را اعزام کردند و این کارمندان اتحاد جماهیر شوروی تمام تجارب و اندوخته های حرفوی خود را به افغان ها شریک ساختند یعنی اندوخته های فنی خود را به اشتراک همدیگر قرار دادند در بین افغان ها زندگی کردند و هرگز خود را در عقب پرده دیوار های بلند کانکریتی پنهان نکردند چنانچه اگر همین اکنون در مواجه شدن به افغان ها بگوید که من روسی هستم ده ها تن از افغان ها شما را بخاطر نان و نمک شدن بخانه های خود دعوت خواهند کرد اینکه گفته میشود که افغان ها از روس ها تنفر دارند کاملاً دور از واقعیت بوده و این همه تبلیغات سوغربی ها است که از طریق رسانه های دروغ پراگنی خود اشاعه میکنند.

وقتیکه از روسیه و چین نام گرفته شود چنین بخاطر می آید که این هردو کشور در ساختار و در ایجاد رفاه اقتصادی و تامین عدالت اجتماعی تا حدی که در توان دارند افغانستان را همه جانبه کمک نموده و مینمایند و اما من در مورد هند چند ان اطمینان ندارم و آن اینکه به وضوح معلوم میشود که هند در عین زمان بالای دو چوکی و یا صندلی

نشسته است اما روسیه و چین هر آن آماده کمک به مردم افغانستان هستند. مشکل در اینجا این است، که افغانستان در حال حاضر دوران هر نوع آزادی و استقلالیت تام است؛ چونکه این کشور از مدت «16» سال به اینطرف در تحت اشغال به اندازه کافی ظالمانه و وحشتناکی قرار دارد. و از سوی هم این کشور ناشی از طرح پلانهای شوم ویرانگر بیشتر ایالات متحده امریکا و «ناتو» و متحدان نزدیک آنها؛ تخریب و مردم افغانستان قربانی های چشمگیری داده و تاهمین اکنون میدهند. افزون بر آن این کشور جنگ زده برای مدت طولانی سرزمین و محل تریننگ و آموزش جهادی های اعم از جهادی ها و جنگجویان القاعد (در دوران جنگ شوروی و جنگ علیه افغانستان در راه ایجاد نظام اجتماعی) طرفدار غرب بوده و اکنون میدان تخت و تاز ویران کننده طالبان قرار گرفته است؛ که با گذشت هر روز دامنه و وسعت تخریبات بیشتر و گسترده تر میگردد و کشور را به ویرانه مبدل ساخته اند و از سوی هم جنگجویان برگشته دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) از جنگ سوریه و لبنان، به قتل و کشتار مردم افغانستان مصروف هستند یعنی گروه های جنگی داعشی ها که بعد از شکست و ناکامی در سوریه توسط نیروهای نظامی روسیه و در لبنان ذریعه نیروهای لبنانی و حزب الله لبنان مواجهه به شکست شده اند و به افغانستان آورده اند؛ نباید از یاد برد که دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه به کمک غرب و متحدان غربی آن در خلیج فارس عرض اندام کرد یعنی که این گروه آدمکش محصول دست و ارمغان ایالات متحده امریکا و متحدان غربی او میباشند.

درک و شناخت این مطلب ضرور پنداشته میشود و آن اینکه غرب در تلاش است که روسیه و چین را نا امن و بی ثبات سازد و با در نظر داشت همین اصل امروز در هر دوی این کشورها «روسیه و چین» بنیادگرایان اسلامی محصول دست غرب در حال مبارزه و تخریب این دو کشور میباشند که غرب از همچو وضع ناهنجار اغماض و چشم پوشی مینماید و میخواهد که افغانستان را بخاطر بی ثبات ساختن روسیه و چین قربان سازد و یا افغانستان را بعنوان تخته خیز مورد استفاده قرار دهد. چونکه افغانستان از نظر موقعیت جغرافیوی خود با طرح های تجاوزکارانه ای امپریالیزم کاملاً سازگار و مطابقت دارد. و با در نظر داشت همین برنامه غرب، افغانستان تحت اشغال همین اکنون ناشی از سیاستهای خراب کارانه ای ایالات متحده امریکا درگیر مخالفت ها و در حالت آشفتگی قرار دارد و امریکا با متحد «ناتو» خود میخواهد که این آشفتگیها و درگیری ها در افغانستان دوام نماید تا بتواند که نیروهای جهادی تریننگ شده ای تحت حمایت خود را بغرض ایجاد تخریب و ناامنی به روسیه و چین و بویژه به شمال غربی چین و به آسیا میانه روسیه صا در نماید.

4 - ایسا ندرو بیا نچی: در حالیکه ایالات متحده امریکا بعنوان یک ابر قدرت

جهانی آخرین نفس های کمزوری و ناتوانی خود را می کشد و دیگر نمیتواند که اراده خود را با زورگویی بالای دیگران تحمیل کند - لذا دست به ماجرا جویی و تفتین میزند مثل شلیک کردن و یا ضربه زدن (60) موشک نوع کروز به سوریه و یا اعزام (4000) سربا ز اضافی به افغانستان و آنهم بخاطر گرم نگهداشتن تنور جنگ و درگیری در افغانستان ، تا جاییکه به گمان اغلب چنین اقدامات چیزی را در روی زمین تغییر نخواهد داد یعنی که توازن نیروها به نفع واشنگتن تغییر نخواهد کرد - با اینحال گرچه که آنها در ایالات متحده امریکا از تاثیر گذاری بسزای برخوردارند که اگر بخواهند از اعتماد به نفس شان بکاهند و درب فرصت های گفتگو و همکاری ها را به بندند که در غیر آنصورت همه چیز ها میتواند به روی میز باقی بماند .

اندریویچک : من در اینجا به ارتباط این موضوع به شدت تام مخالف هستم چونکه من تقریباً مطمئن هستم که غرب بطور کلی و ایالات متحده امریکا بطور خاص و بویژه از آنچه که انجام میدهند آگاه هستند ! زیرا که ایالات متحده امریکا بعضی از قدرتمند ترین استعمارگران را بعنوان مشاورانش بویژه از اتباع بریتانیا را در اختیار خود دارد .

لازم است که باید چنین اذعان کرد که ایالات متحده امریکا بدون از یک جنگ بزرگ و عظیم به آسیای مواجهه به سقوط و انقراض نمیشود و امریکا همچنان هرگز به این تصور نیست که در کنار او اروپا از پای افتد و یا سقوط کند - پس میتوان گفت که این دو قسمت از جهان (امریکا و اروپا) برای غارت بزرگ جهان افریده شده اند و آنها تا هنوز هم به غارت و چپاولگری این جهان ادامه میدهند . چونکه آنها نمیتوانند خود را از ثمره و میوه های معز و کار خود دورنگه دارند یا از این عادت خود دوری جویند زیرا که آنها دزدان و سارقان دایمی هستند و امریکا هرگز نمیتواند و یا هرگز نمیخواهد که خود را از اروپا مجزا داند و یا از اروپا دوری نماید پس میتوان گفت که ایالات متحده امریکا فقط شاخه ای بزرگی از یک تنه درخت ناخوشایند استعمار ؛ امپریالیزم و نژاد پرستی است .

بهر صورت تاجیکه فهمیده میشود ایالات متحده امریکا ، اروپا و «ناتو» هر آنچه را که انجام میدهند در حال برنامه ریزی برای عملیات ها آینده شان هستند برنامه ای کاملاً وحشیانه ، شوم و خونین که از نظر استراتژیک کاملاً اشکار و هویدا است ، باید اذعان کرد که اینها یعنی غربی ها هرگز به اراده خود از صحنه ها بیرون نمی روند یعنی که آنها باید بجنگند و شکست خورند پس بادر نظر داشت همین دلیل است که امریکا با متحدان خود اینجا در افغانستان و سوریه و بعضی جا های دیگری هستند .

5- ایسا ندر و بیانچی : شما در آخرین بازدید خود از افغانستان نقش نیروهای ایتالیایی را چطور یافتید و یا نقش آنها در افغانستان همین اکنون چیست ؟

اندریویتچیک : این یک کوکتیل (نوشا به) معمول است از آنچه که فاشیزم ایتالیایی در طول دوره های استعماری خود از آن از آن کوکتیل استفاده کرده و اکنون دوران ویا عصر «ناتو» فاشیست را ساخته است یعنی یک جادوگر بی رحم ، ریاکار و روم به امید اینکه ایتالیا در نهایت امر به مثابه ای یک اشغالگر شایسته و قابل قدر چهره نمایی کند . من نیروهای نظامی ایتالیایی را در شهر هرات دیدم ؛ آنها در آنجا یعنی در هرات یک قلعه ای باستانی را اشغال کرده و در آنجا مستقر شده اند. نیروهای شان در آنجا مثل اعضای برخی از گروه های باله «تئاتر» درجه دوم در جست و خیز دیده میشوند . و فقط به این دلیل که برخی از افسران ارشد و عالی رتبه آنها خانواده های خود را بغرض بازدید از این قلعه ای باستانی نیز با خود دارند که این خود شرم اور و وقیح میتواند تلقی شود من تا هنوز تصاویری از آنها را با خود دارم اما نکته با اهمیت در مورد ایتالیایی ها بعنوان اشغالگر این است که آنها به سختی میتوانند بطور جدی مورد توجه قرار گیرند چونکه آنها حتی در طول جنگ بی نظم ، پرهرج و مرج و مکار و حيله گر هستند و د نظر مردم چندان جلوه گری نمیکنند.

من واقعاً دوست دارم که آنها را در چنین جاها و مکان ها در افغانستان از نزدیک می بینم از اینکه آنها کمتر دست ویرانگری و خراب کاری دارند آنها در واقعیت امر شوالیه های (آدمهای جوانمرد) خوبی هستند حالانکه فرانسوی ها – بریتانیایی ها و امریکایی ها مردمان حیوان صفت و وحشی اند که با ماشین آدم کشی خود به کشتار انسانهای بی گناه می پردازند حالانکه ایتالیایی ها تا هنوز هم مصروف ساختن فلم ها ، نوشتن شعر و پخت و پز نسبت به قتل و کشتار مردمان محلی در کشورهای تحت اشغال خود هستند.

با تقدیم سلام ها «2017-09-15»